



## نقدی بر ادله حلیت ربای تولیدی از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت

پدیدآورنده (ها) : راغبی، محمدعلی؛ دهقان نژاد، رضا؛ فاتحی، صابر؛ اکبرزاده، زهرا؛ اسدی، محمد

فقه و اصول :: نشریه فقه مقارن :: پاییز و زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۸ (ج/ISC)

صفحات : از ۱۲۱ تا ۱۴۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2020631>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقدی بر ادله ی لزوم رشد کیفری از منظر فقه و حقوق
- شناخت راه های محرمیت؛ نیازمند دقتی دوچندان؛ نقدی بر کتاب بررسی راه های محرمیت از دیدگاه فقه امامیه
- نوسانات اقتصادی و آثار آن بر تعهدات متعاملین (از دیدگاه فقه امامیه)
- بررسی تطبیقی ادله مخالفان کنترل جمعیت از دیدگاه فقه امامیه و احناف
- تاثیر زمان در دیه قتل خطائی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران (تحلیل و نقدی بر ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی)
- ادله و مبانی ریاست مرد بر خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی
- دولت در فقه شیعه و نظریات فقهی خودساخته - نقدی بر مقاله - تحدید قدرت سیاسی از دیدگاه شیعه -
- مقالات: نظارت بر دادرسی نقض حکم و رسیدگی مجدد از دیدگاه فقه امامیه
- تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر مفهوم تمکین و نشوز موثر در نفقه از دیدگاه فقه امامیه
- اثر حکم افلاس بر دیون مؤجل شرکت تجاری ورشکسته از دیدگاه فقه امامیه و حنفیه و حقوق تجارت ایران و افغانستان

## نقدی بر ادله حلیت ربای تولیدی از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت

محمدعلی راغبی،<sup>۱</sup> رضا دهقان نژاد،<sup>۲</sup> صابر فاتحی،<sup>۳</sup> زهرا اکبرزاده،<sup>۴</sup> محمد اسدی<sup>۵</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸)

### چکیده

یکی از چالشهای مورد ابتلای جوامع اسلامی امروزه در حوزه اقتصاد، مسئله ربای قرضی (وام) است. اصل حرمت ربا در میان تمام مسلمانان، مورد اتفاق بوده و بلکه از ضروریات دین به شمار می‌آید و مشهور فقیهان با استناد به آیات و روایات تحریم ربا، ربای قرضی را به صورت مطلق حرام دانسته‌اند و در مورد اقسام آن، تفصیلی مطرح نکرده‌اند اما از حدود یک قرن پیش، گروهی از اندیشمندان مسلمان با استناد به برخی ادله، ربای قرضی را از جهت غرض قرض‌گیرنده و مصارف آن، به دو نوع ربای استهلاکی (مصرفی) و ربای انتاجی (تولیدی) تقسیم کرده‌اند و ربای مصرفی را مشمول ادله تحریم ربا دانسته و ربای تولیدی را تجویز نموده‌اند. بر این اساس، قرض ربوی اگر برای تولید، تجارت و امثال آن باشد، جایز بوده و حرام نیست. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که ادله تحریم ربا، هر دو نوع ربای قرضی را شامل می‌شود و ادعای جواز ربا در ربای انتاجی، فاقد اعتبار است.

**کلیدواژه‌ها:** ربا، ربای استهلاکی، ربای تولیدی، ربای قرضی، ربای مصرفی.

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم / ma.raghebi@gmail.com
۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان / mr.dehgan@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / s.fatehi2019@gmail.com
۴. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان / akbarzadeh110121@yahoo.com
۵. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم / asadi.mohammad21@gmail.com

## طرح مسئله

در دین اسلام، رباخواری از گناهان کبیره می‌باشد و قرآن کریم، یکی از شدیدترین لحنهای تحریم را در خصوص ربا به‌کار گرفته است و رباخواری را جنگ با خدا و رسول او معرفی نموده است (بقره، ۲۷۹). ربا در کلمات معصومین علیهم‌السلام نیز از بزرگ‌ترین گناهان معرفی شده و گناه یک درهم از آن، از هفتاد مرتبه زنا با محارم بالاتر دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۹/۱۸).

ربا که از دیدگاه اسلام، یکی از موانع پیشرفت نظام بشری و اقتصادی است، در نظام سرمایه‌داری غرب، مرسوم بوده است و نفوذ نظام سرمایه‌داری غرب در کشورهای اسلامی، سبب ایجاد تفاهم بین حرمت ربا و مبانی نظام اقتصادی غرب، بر اساس تفاسیر جدیدی گردید که ابتدا از جانب علمای اهل سنت و سپس از سوی علمای شیعه مطرح شد.

از مهم‌ترین این تفاسیر، تفکیک مصارف قرض بود که بیان می‌داشت: اگر قرض برای تهیه نیازهای زندگی اخذ شود، گرفتن زیادی حرام است و اما اگر برای سرمایه‌گذاری و تولید باشد، بلامانع است. مدافعان این نظریه معتقدند: ربا در قرضهای تولیدی و تجاری، مسئله جدیدی است و ادله تحریم ربا شامل ربای تولیدی نیست و بدین وسیله، مشکل نظامهای اقتصادی مبتنی بر بهره برطرف می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استناد بر منابع کتابخانه‌ای، در صدد است تا این دیدگاه جدید در مورد حرمت ربا را تبیین نموده و ادله آن را بررسی کند.

## پیشینه و سیر تحول

با گسترش نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی در کنار مسائل نو ظهور، برخی اصول بنیادین اقتصادی از جمله مسئله ربا نیز مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفت. یکی از چالشهای این بازنگری، ارائه نظریه اختصاص حرمت ربا به نوع مصرفی آن است که محل بحث عمده نویسندگان قرار گرفته است. از فقیهان متقدم امامیه، مفید در کتاب «المقنعه»، طوسی در «المبسوط» با طرح جداگانه ربای معاملی و ربای قرضی، حکم به حرام بودن مطلق ربا داده‌اند و حلی در «مختلف الشیعه»، شهید اول در «دروس»، شهید ثانی در «الروضه البهیة» و نجفی در «جواهر الکلام» نیز به حرمت مطلق ربا جزم پیدا کرده‌اند. مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز در حرمت اقسام ربا، ادعای اجماع دارند و حنفیه با وجود

اعتقاد به حرمت ربا، معامله ربوی را باطل نمی‌داند. ابن رشد و ابن قدامه و خطیب شربینی نیز از فقیهان صاحب نظر در حرمت اقسام ربا هستند (ابن رشد، ۱۴۱۶ق، ۴/۴۹۶) و اولین تحقیق جامع در خصوص موضوع محل بحث به نقل از مصری، کتاب فضل الرحمن با عنوان «مبحث تحلیلی حول الربا التجاری» است که در سال ۱۹۶۸م به عربی ترجمه شده است. هم‌چنین ادعا شده است که کالوین (۱۵۰۹-۱۵۶۴م) نخستین عالم مسیحی است که از ربای تولیدی دفاع نموده است.

از فقیهان اهل سنت، شلتوت در کتاب «الفتاوا»، رشید رضا در تفسیر «المنار»، زرقاء در «مشکلات العصریه» و ططاوی در «الربا و المعاملات» از طرفداران جواز ربای تولیدی هستند، در مقابل این گروه، ابوزهره در کتاب «بحوث فی الربا»، مصری در کتاب «القروض و ادله التحریمیه» و فضل الرحمن در «مبحث تحلیلی حول الربا التجاری» قرار دارند. کتاب «ربای تولیدی» و کتاب «فقه و زندگی» از صانعی، کتاب «مسئله ربا و بانک» از مطهری، مقاله «ربا در قرضهای تولیدی و تجاری» از موسویان، «نقد و بررسی فقهی جواز (حلیت) ربا در قرضهای تولیدی و تجاری» پایان‌نامه از احمدوند از پژوهشهای موجود در زمینه بحث حاضر در مقاله هستند.

### مفهوم‌شناسی ربا در لغت و اصطلاح

ربا در لغت به معنای زیادت، نمو و علو آمده است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۳/۱۹) و هرگونه زیادتی را شامل می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۸/۲۸۳). ربا در اصطلاح فقه در همان معنای لغوی خود به‌کار رفته است؛ اگرچه برای تحقق ربای فقهی شرایطی وجود دارد ولی ماهیت ربا همان زیاده است (محقق حلی، ۱۴۱۳ق، ۱۴۹؛ بدرالعینی، ۱۴۲۰ق، ۸/۲۶۰). مشهور فقیهان، ربا را بیع یکی از متمثلین وزنی یا کیلی در مقابل دیگری همراه با زیاده در یک طرف و یا قرض یکی از آنها با زیاده، می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۳ش، ۲۳/۳۳۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳/۳۱۶).

### اقسام ربا

ربا بر دو قسم ربای معاملی و ربای قرضی تقسیم می‌شود. ربای معاملی معمولاً در بحث بیع و ربای قرضی در بحث دین مطرح می‌شود. ربای معاملی آن است که کالایی در برابر کالای

دیگری از همان جنس، به همراه زیادت در یکی از عوضین، معامله شود. خواه این زیادت، عینی باشد مانند فروش یک کیلو برنج مرغوب در مقابل دو کیلو برنج نامرغوب، و خواه حُکمی؛ مثل جایی که یک کیلو خرما به صورت نقد، در مقابل یک کیلو خرما به صورت نسیه معامله شود که مبیع در اینجا، به میزان قیمت مدت، بیشتر از ثمن است (نجفی، ۱۳۶۳ش، ۲۳/۳۳۴؛ سمرقندی، ۱۴۰۵ق، ۲/۲۵).

ربای قرضی بدین معناست که شخصی، مالی را به دیگری قرض دهد و با او شرط کند که قرض گیرنده در زمان سررسید بازپرداخت، بیشتر از آنچه قرض گرفته، پرداخت نماید (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۳/۲۳۵). قرض از جهت مورد مصرف، به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱. تولیدی (استنتاجی): «قرضهایی که برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و یا خرید کالاهای مصرفی لوکس دریافت می‌شود» (نوری کرمانی، ۱۳۸۱ش، ۱۲۹)؛ ۲. مصرفی (استهلاکی): «گاهی افراد برای تأمین نیازهای ضروری زندگی وام می‌گیرند، مثل وام گرفتن برای سیرکردن زن و بچه گرسنه، تهیه لباس و معالجه فرزند...» (همان، ۱۳۰).

در دوره معاصر، عده‌ای از محققان اهل سنت و برخی از فقیهان شیعه، تنها ربای مصرفی را مصداق ربای حرام قرضی دانسته و معتقدند: ربای تولیدی و استنتاجی حرام نیست، زیرا در گذشته مطرح نبوده که حکم آن بیان گردد (رشید رضا، ۱۴۲۳ق، ۳/۱۱۶؛ شلتوت، ۱۳۹۵ق، ۳۵۳؛ زرقاء، ۱۳۸۸ق، ۷۰؛ صانعی، ۱۳۸۳ش، ۲۸).

### بحث پیرامون ادله ناظر بر مسئله

قبل از ورود به بحث اصلی، بیان یک مقدمه لازم و ضروری است و آن اینکه: احکام شریعت تابع مصالح واقعی هستند (الأحكام الشرعية تابعة للمصالح الواقعية) و تا زمانی که این مصالح برقرار است، مولی با دواعی و انحاء مختلف آدمی را به تحصیل مصالح مندرج در آن امر واقعی فرا می‌خواند. بنابراین هر دعوتی و جعل حکمی از جانب خداوند، زمینه‌ساز دریافت مصلحت در آن حکم است. چون خداوند، حکیم و خیر محض است. پرهیز از ربا و رباخواری یکی از احکامی است که خداوند بر انسان جعل نموده است و در سوره بقره فرموده است: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا: خداوند داد و ستد را حلال و ربا را حرام فرمود» (بقره، ۲۷۵) و همچنین: «وَدَّرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا: آنچه از ربا باقی مانده، واگذارید» (بقره، ۲۷۸). روایات متعددی نیز بر آن دلالت می‌کند؛ مانند «دَرَهُمْ رَبًّا يَأْكُلُهُ الرَّجُلُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَشَدُّ

مِنْ سِنَّةٍ وَتَلَاثِينَ زَنْبِيَةً» (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۲۲۵/۵) و یا: «درهم ربا أشدّ من ثلاثين زنية كلّها بذات محرم» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۹/۱۸) و: «من نبت لحمه من سحت فالنار أولى به» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۳۳۲/۱۳).

با عنایت به آیات و روایات وارده، حکم به تحریم روشن است. خواه به نحو صریح (حرم الربا) باشد و خواه با ظهور اوامر و نواهی در وجوب و تحریم و تعیین عقاب و مجازات اخروی برای مرتکبین آن. اکنون جا دارد سؤال شود که تحریم ربا از چه باب است؟ آیا از باب تعبد است و عقل هیچ رهیافتی به مصالح واقعی مندرج در حکم تحریم ندارد یا تعقلی بوده و عقل به کشف ملاک تحریم در ربا قادر است؟ ثمره مقدمه در آن است که هرگاه تحریم ربا و اخذ زیاده تعبدی باشد، دیگر بحث از ملاکات و تفاوت قائل شدن بین ربای استهلاکی و ربای تولیدی معنا ندارد و هر دو داخل در عموم ادله تحریم است، هر چند عقل انسان مصلحت حکم را کشف نماید و کشف شروط دیگر، معارض با حکم شریعت است. ممکن است در نگاه اول، به دلیل کثرت و تنوع آیات و روایات، حرمت تعبدی ربا متبادر باشد اما از دیدگاه فقیهان، در تحریم اصل ربا تعبد نیست، چون عقل انسان قباحت آن را می فهمد که اخذ زیاده در یک طرف جایز نبوده و دریافت آن، بدون حق و مجوز و بدون ارزش افزوده است و شارع در مقام بیان منع همین قبح عقلی است و در صدد تأسیس حکم جدید نیست. بر این اساس، رباخواری عقلاً حرام است و این حرمت، ممنوعیتی است که منطق عقلانی و عقلانی دارد و حکم عقل سلیم، همان حکم شرع بوده و خارج از آن نیست «کَلِّمًا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ». هم چنین، رباخواری منشأ مفاسد بسیاری است که قبح آنها نیز از مستقلات عقلیه است. بنابراین از دیدگاه عقل، ملاک حرمت در ربا، رابطه اقتصادی ظالمانه است و بلکه رباخواری از فاحش ترین و شدیدترین ظلمهاست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش، ۳۰). اما گاهی در بعضی فروع ربا، تعبد دیده می شود، مثل همجنس بودن و مکیل و موزون بودن که ظاهراً تعبد است و عقل به تنهایی فرق بین مکیل و موزون و معدود بودن را درک نمی کند (خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ۳۰۹/۶) و بلکه حکم به قباحت هر دو می دهد. علی رغم این، روایات وارده، مبیع معدود را از بقیه جدا نموده و ربا را تنها در مکیل و موزون جاری می داند (کلینی، ۱۳۸۸ش، ۱۴۶/۵). از میان مذاهب اهل سنت نیز حنابله و حنفیه ربای معاملی را در تنها در مکیل و موزون جاری می دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۳۰۴/۲). با وجود این، حتی قول به تعبدی بودن برخی از فروع ربای معاملی نیز در مسئله ربای قرضی

به ما مساعدت نمی‌نماید، اگرچه برخی نویسندگان برای مکیل و موزون خصوصیت قائل نشده و ربا را حتی در معدود نیز جاری دانسته است (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ۴۸)؛ زیرا حکمت ربای معاملی از باب قرض نیست و ربای معاملی داخل در عقد دیگری (نظیر بیع) بحث می‌شود و عقد مستقلی به حساب نمی‌آید و در اصل، به زیادت یکی از ثمن و مثن باز می‌گردد، حال آنکه ربای قرضی دارای ایجاب و قبول مستقلی است و میان ربای معاملی و ربای قرضی ملازمه وجود ندارد که وجود تعبد در هر یک، در دیگری دخیل باشد. بر این اساس، بحث از ملاکات، علت و حکمت در ربای قرضی پیش می‌آید. لذا برخی از فقها از همین حکمتها وارد شده و ربای تولیدی را از ادله حرمت ربا خارج ساخته‌اند. بنابراین جا دارد به ادله و حکمت‌های مطرح در حلیت ربای تولیدی ورود کرده و به صحت و سقم آنها بپردازیم.

### ۱. تمسک به اصل و عمومات

بیان استدلال به این شکل است که: عمده و جوهی که می‌تواند برای حلیت تعیین میزان معینی از سود، در انواع قرضها مستند قرار گیرد، عبارتند از: الف) اصل که روشن است مراد ما از اصل، اصل حلیت است که در صورتی که دلیلی بر حرمت نیابیم، دلیل قابل اعتمادی خواهد بود؛ ب) عمومات و جوب وفای به عقد (اوفوا بالعقود)؛ ج) عمومات و جوب وفای به شرط (المؤمنون عند شروطهم)؛ د) عمومات جواز قرض؛ هـ) سیره عقلاء در نظامات اقتصادی که ردعی از آن صورت نگرفته است (صانعی، ۱۳۸۳ ش، ۳۵).

نقد و بررسی: ادعای فوق در صورتی صحیح است که دلیلی بر حرمت ربای تولیدی وجود نداشته باشد و حال آنکه مشهور شیعه و اهل سنت، ربای تولیدی را مشمول آیات و روایات تحریم ربا می‌دانند و معتقدند تقیید و تخصیصی بر این ادله وارد نشده است (خمینی، ۱۳۸۰ ش، ۶۵/۱؛ ابن رشد، ۱۴۱۶ ق، ۴/۴۹۶؛ شوکانی، بی تا، ۲۱۳/۵). بنابراین تا زمانی که دلالت ادله مذکور بر حرمت مطلق ربای قرضی مخدوش نباشد، نمی‌توان به عموماتی چون «اوفوا بالعقود و المؤمنون عند شروطهم و تجاره عن تراض» رجوع کرد.

در خصوص تمسک به سیره عقلاء، اثبات وجود چنین سیره‌ای بر حلیت و جواز ربا در قرضهای تولیدی، نیازمند دلیل است و طرفداران حلیت ربای تولیدی در بین شیعه و اهل سنت در اقلیت محض هستند (محمدی کرجی، ۱۳۸۸ ش، ۲۰۰-۱۸۲) و در طول تاریخ، عقلا و



اندیشمندان بسیاری با قرضهای ربوی مخالف بودند و نرخ بهره را مانع از تولید و اشتغال می‌دانستند (موسویان، ۱۳۸۴ ش، ۵۸-۳۸) که نشانگر عدم وجود سیره ادعایی است. سیره عقلا و «عرف» به تعبیر علمای اهل سنت، در زمان فقدان نص اعم از کتاب و سنت ارزشمند است و هرگاه رفتار عقلا، برخلاف کتاب و سنت باشد، مانند رواج خمر و ربا اعتبار ندارد (زرقاء، ۱۴۱۸ق، ۱۳۴). با وجود نص صریح قرآن در حرمت ربا، نمی‌توان به سیره عقلا تمسک کرد، با وجود این، فقها محدوده تأثیر سیره را در حیظه موضوع حکم می‌دانند، نه در اثبات احکام شرعی. از طرف دیگر، عرف عملی لسان ندارد و تنها اباحه عمل را اثبات می‌کند و عرف قولی چون از ادله لفظیه است، برای اثبات وجوب و حرمت مورد توجه قرار می‌گیرد. در قضایای شرعی، اصل دخالت سیره یا بنای عقلا و عرف، تنها در تعریف موضوع است نه در حکم (جناتی، ۱۳۷۵ ش، ۳۹۹).

در استدلال به سیره عقلا، نوعی تناقض وجود دارد؛ چرا که طرفداران این نظریه از طرفی معتقدند: ربای تولیدی در زمان معصومین علیهم‌السلام رایج نبوده و از طرف دیگر معتقدند: سیره عقلا بر حلیت ربای تولیدی دلالت می‌کند (این در حالی است که سیره بودن سیره، به شیوع آن است) و اگر ربای تولیدی در آن زمان رایج نبوده است، چگونه چنین سیره‌ای تحقق یافته است؟

فرض می‌کنیم که سیره ادعایی وجود داشته است، در این صورت، یکی از شروط حجیت سیره آن است که از سیره موجود، ردعی نشده باشد ولی در مانحن فیه، ردع وجود دارد (صدر، ۱۴۱۷ق، ۴-۲۳۸-۲۳۴)؛ زیرا آیات و روایات دال بر حرمت ربای قرضی، شامل ربای تولیدی نیز می‌شوند و این خود دلیل بر ردع است. هم‌چنین امضای مصدق از بنای عقلا صرفاً تأیید یک عمل خارجی نیست، بلکه دال بر امضای آن نکته ارتکازی و عقلایی است که سلوک از آن ناشی شده است. به بیان دیگر، امضای بنای عقلایی در واقع به معنای امضای «ملاک» و «طبیعت» عقلایی آن است و نه صرفاً پذیرش یک سلوک خارجی. با این تقریر، صحت بسیاری از معاملات که ملاک عقلایی آنها در زمان شارع وجود داشته، قابل اثبات است. اگر ریشه بنای عقلا را ارتکازات فطری انسان و مبنای حجیت آن را اتحاد روش و مسلک شارع با عقلا بدانیم، در این صورت حجیت بنای عقلا به سیره‌های پیشین انحصار دارد، بلکه شامل مواردی خواهد شد که مورد غفلت قرار گرفته و یا سابقه وجود یا استعمال نداشته و اکنون مورد توجه واقع شده است و از آنجا که در منابع اصول فقه عامه

اصطلاح بنای عقلا رواج ندارد، دقت نظر در ادله‌ای هم‌چون عرف و عادت و مصالح مرسله و استحسان به طور ضمنی تأیید همین بنای عقلاست که به «مدح و ذم عقلا» تعبیر می‌شود (ابن‌قدامه، ۱۴۰۶ق، ۱۰۱/۶؛ آمدی، ۱۴۰۴ق، ۲۱۵؛ بصری، ۱۴۰۳ق، ۵۵). در مانحن فیه نیز از این قرار است که ملاک حرمت ربا هم در ربای تولیدی وجود دارد و هم در ربای مصرفی، عقلا به همان دلیل که قائل به ذم ربای مصرفی هستند، همان ملاک مبعوضیت در ربای تولیدی نیز موجود است.

## ۲. عدم رواج ربای تولیدی در عصر جاهلی

یکی دیگر از ادله طرفداران حلیت ربای تولیدی آن است که آیات تحریم ربا مربوط به ربایی است که در عصر جاهلی رواج داشت و از نوع ربای مصرفی ربا در قرضهای مصرفی است و قرض تولیدی در آن زمان رایج نبوده و مشمول ادله حرمت ربا نیست (صانعی، ۱۳۸۳ش، ۳۰-۲۹). بر این اساس، جامعه عصر جاهلی و صدر اسلام، یک جامعه معیشتی بوده و قرض تولیدی در آن زمان مطرح نبوده، بلکه قرض تولیدی در جوامع تولیدی به وجود آمد (مصری، ۱۴۲۱ق، ۳۶-۳۱؛ مصری، ۱۴۰۷ق، ۲۶۱-۲۶۰).

نقد و بررسی: دلیل فوق مبتنی بر دو ادعاست: اول) ربای رایج در عصر جاهلی، ربای مصرفی بوده و ربای تولیدی در آن دوران رواج نداشته است؛ دوم) ربای تولیدی بدلیل عدم رواج در عصر جاهلی، مشمول ادله تحریم نمی‌باشد.

بررسی ادعای اول: این ادعا که ربای تولیدی در عصر جاهلیت وجود نداشته است ادعایی بدون دلیل است و مغایر با شواهد موجود بر وجود ربای تولیدی در عصر جاهلی است. بسیاری از مورخین، در مورد شرایط اقتصادی عصر جاهلی و صدر اسلام بیان کرده‌اند که تجار قریش برای تهیه سرمایه تجاری خود از روشهایی چون بیع نسبه، مضاربه و ربا استفاده می‌کردند (علی، ۱۹۷۱م، ۴۰۴/۷؛ طبری، ۱۳۹۹ق، ۴۳۴/۲؛ مصری، ۱۴۰۷ق، ۲۶۱).

از میان مورخین و اندیشمندان اهل سنت هم‌چون علی (علی، ۱۹۷۱م، ۲۱۹/۷ و ۲۲۷)، مودودی (مودودی، ۱۳۹۹ق، ۲۴۱-۲۴۰)، ابوزهره (بدوی، ۱۳۸۳ق، ۲۴۰) و عزیزی (عزیزی، ۱۴۲۴ق، ۱۸) نیز تصریح کرده‌اند که: قرضهای تجاری در عصر جاهلی رایج بوده و حتی برخی ادعا کرده‌اند که قرضهای تجاری یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصادی آن عصر بوده است (توفیق‌رضا، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴). از نخعی نیز نقل شده است که سرمایه‌داران قرض

می‌دادند تا سرمایه خود را افزایش دهند و در تجارت به‌کار بگیرند (علی، ۱۹۷۱م، ۴۲۱/۷).  
طبرسی نیز همین مضمون را بیان نموده و آن را تأیید کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش،  
۳۹۲/۱).

بررسی ادعای دوم: تحریم ربا، یک قضیه حقیقیه است و مطابق با اقتضای این قضایا،  
موضوعات محقق در زمان آینده (ربای تولیدی) نیز داخل در تحریم ربا قرار می‌گیرد، اگرچه  
در زمان گذشته برای آن قضایا، مصداق خارجی وجود نداشته باشد (خرازی، بی‌تا، ۶۴/۵؛  
هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ۲/۲۱۵).

هم‌چنین کثرت وجود خارجی (ربای مصرفی) مقید موضوع نیست؛ چرا که حکم در  
مطلق، روی عنوان رفته است و متوجه مصداق خارجی نیست (خمینی، ۱۴۱۸ق، ۴/۴۸۸)  
و اگر چنین کثرتی موجب انصراف مطلق به آن مصداق خارجی شود، این انصراف بدوی  
است و حجت نیست و کثرت استعمالی که موجب انصراف ظهوری در مقید می‌شود و حجیت  
دارد در مانحن فیه وجود ندارد (خویی، ۱۳۵۲ش، ۱/۵۳۲؛ خرازی، بی‌تا، ۶۴/۵)  
از طرف دیگر، این ادعا مصادره به مطلوب است. طرفداران ربای تولیدی منشأ انصراف  
ربا به ربای مصرفی را ناشی از کثرت استعمال می‌دانند، در حالی که قائل به عدم وجود  
ربای تولیدی در عصر تشریح هستند. اگر ربای رایج در عصر تشریح صرفاً از نوع مصرفی  
باشد، چگونه می‌توان کثرت استعمال را در یک لفظ ثابت کرد. شارع نیز اگر در مقام بیان  
باشد و بخواهد موضوعی را مقید به قیدی کند، باید آن را مقید به قید لفظی یا ارتکازی کند  
(جوهری، ۱۴۲۸ق، ۱/۷۰۷؛ عراقی، ۱۳۶۳ش، ۴۴۲)، ولی وجود قید در مورد حرمت ربا  
منتفی است.

### ۳. اجمال ادله تحریم ربا و اخذ به قدر متیقن

طرفداران حلیت ربای تولیدی معتقدند: آیات تحریم ربا در مورد بیان مصداق ربا اجمال  
دارند و بر حرمت تمامی انواع ربای قرضی (مصرفی و تولیدی) دلالت ندارند؛ زیرا ربا به  
معنی هر نوع زیادت است ولی هر زیادتی حرام نیست. برای مثال زیاد سخن گفتن، بخشش  
زیاد و دانش‌اندوزی زیاد هیچ‌گاه حرام نیست بلکه برخی زیادتها، مطلوب و پسندیده نیز  
هستند و قدر متیقن از آیات تحریم ربا، قرض استهلاکی است نه تجاری و آیه «احل الله  
البيع و حرم الربا» ظهور در حرمت ربای استهلاکی دارد. روایات تحریم ربا نیز اجمال دارند

و مصداق و مورد ربا را تعیین نکرده‌اند. چون ربایی که در آن عصر رایج و مرسوم بوده است، ربای مصرفی بوده، پس حرمت ربا عمومیت ندارد و ربای قرضی، صحیح نیست. بنابراین، طبق این دلیل، حتی اگر آیات و روایات به قرضهای مصرفی اختصاص نداشته باشد، حداقل اجمال داشته و قدر متیقن از ربای حرام، ربای مصرفی بوده است (صانعی، ۱۳۸۳ش، ۳۹-۳۷).

نقد و بررسی: آیات و روایات تحریم، چنان‌که بسیاری از فقها تصریح کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۱۶/۳؛ نجفی، ۱۳۶۳ش، ۲۳/۳۳۴) در معنای لغوی خودش استعمال نشده است و چون قرضهای تولیدی نیز در عصر جاهلی رواج داشته است، پس مراد از ربا مشخص بوده و اجمالی باقی نمی‌ماند تا به قدر متیقن متوسل شویم.

غالب آیات ربا اطلاق دارند و با اطلاق خود، انواع ربا اعم از معاملی و قرضی (با دو قسم آن) را شامل می‌شوند و از این جهت، اجمالی وجود ندارد و تا زمانی که با دلیل، تقییدی بر این اطلاق وارد نشود، این اطلاق بر جای خود باقی است و حکم حرمت به تمام اقسام ربا سرایت خواهد کرد. جوادی آملی در این خصوص می‌نویسد: آیات احکام به همان مقداری که تعرض دارد به عنوان مطلق، مرجع رفض قیود مشکوک قرار می‌گیرد و هر جا دلیلی بر تخصیص و تقیید یافت نگردد، به استناد «اصالت الاطلاق» یا «اصالت العموم»، حمل بر مطلق یا عام قرآنی می‌شود (جوادی آملی، بی تا، ۱/۱۹۰). کیهارسی معتقد است: عموم لفظ «الربا» در آیات ربا، مقتضی تحریم ربا به صورت مطلق است، مگر اینکه بعضی موارد توسط خود شارع تخصیص خورده و از عموم حکم حرمت خارج شده باشد (کیهارسی، ۱۴۰۵ق، ۱/۲۳۲-۲۳۱). افزون بر این، با تکیه بر روش قرآن کریم در زمینه-سازی تدریجی مبارزه با انحرافات اجتماعی و حاکمیت اخلاق در روابط اقتصادی، می‌توان گفت که آیات قرآن با اطلاق خود در مقام بیان تحریم همه معاملات ربوی بوده است و بر فرض پذیرش ادعای رواج ربای مصرفی در دوران تشریح، شارع تقبیح این نوع معاملات را با نوع رایج آغاز کرده است و هرگونه افزایش مال به نحو ربوی، مطلوب شارع نیست. چه بسا در دوره‌های دیگر، معاملات ربوی نوظهور، زاییده جریانات اقتصادی نوین باشد. علاوه بر این، تکیه بر ظاهر و اخذ قدر متیقن در این مقام نادرست است و ما صغری این قیاس را قبول نداریم، زیرا توجه به سیاق آیات و قرینه مناسبت لفظ «بیع» که طبق تعریف مختار «تبدیل مال بمال اعتباراً» بوده، «ربا» به معنای هرگونه زیادت به‌کار نرفته است، بلکه

اسم برای آن زیادتی است که در ربای قرضی یا ربای معاملی اخذ می‌شود و انصاری بنا بر همین مناسبت، حلیت تصرفات ناشی از بیع را بیان فرموده است.

اما روایات وارده در خصوص اینکه اگر شرطی نباشد، اخذ زیاده بدون اشکال است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۳۷/۷)، نشان می‌دهد که شرط زیاده از طرف قرض‌دهنده به عنوان ملاک حرمت ربای قرضی بیان شده است (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ۱۱-۳) و در بیان ملاک، تفاوتی میان قرض مصرفی و قرض تولیدی نیست و هر دو قسم، مشمول حکم حرمت ربا خواهند بود و از این جهت اجمالی در روایات تحریم ربا وجود ندارد. فقیهان امامیه، به این ملاک در مورد ربای قرضی توجه داشته‌اند و بر حرمت شرط نفع تأکید کرده و آن را اجماعی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ۱۶۱/۲). ابن‌قدامة از فقهای اهل سنت نقل می‌کند: تمام فقهای اجماع دارند که ربای قرضی حرام است و کسی بین ربا در قرضهای مصرفی و تولیدی تفصیل نداده است (ابن‌قدامة، ۱۴۰۶ ق، ۴۳۶/۶).

حال که شرط و اخذ زیاده ملاک حرمت معاملات ربوی است و در تشریح حکم دخالت دارد و کاشف از مصلحت مقصود شارع است، خود می‌تواند علت حکم قرار گیرد، چه این مناسبت بر مسلک اصولیان اهل سنت، حقیقی باشد یا غریب، مرسل و معتبر. وقتی این مناسبت در موارد دیگر یافت شود می‌توان آن حکم را تعمیم داد (شعبان، ۱۹۹۵ م، ۱۵۲). مناسبت میان حکم و موضوع گاهی به درجه‌ای از وضوح می‌رسد که مانند قرینه محفوف در کلام است و مانع ظهور امر ناسازگار با مناسبت می‌شود و در اطلاق ادله حرمت ربا و عدم تفاوت در مبغوضیت اخذ زیاده در ربای تولیدی و مصرفی، مناسبت مذکور مشهود است، بر این اساس، عرف در نگاه نخست نظر به موضوع حکم دارد و پس از تأمل و موشکافی به حالت‌های موضوع متوجه می‌شود که این حالت قید محقق‌کننده موضوع است یا خیر. این مناسبت مانند قرینه منفصله است (مروج، ۱۴۱۵ ق، ۷۴۳-۷۴۲).

مطهری می‌نویسد: «مسئله اصلی در ربای قرضی آن است که انسان به کسی قرض دهد و شرط زیاده کند که به اجماع شیعه و اهل سنت، شرط زیاده حرام است و روایات حرمت شرط زیاده، بسیار است و در هیچ‌یک از آنها تفصیلی نداریم که قرض مصرفی باشد یا تولیدی» (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ۴۳).

هم‌چنین به صرف اینکه بعضی زیاده‌ها حرام نیست، لفظ ربا اجمال پیدا نمی‌کند تا اخذ به قدر متیقن شود؛ بلکه هر زیادتی آلاً ما خرج بالدلیل حرام است. یعنی هرچه دلیلی بر خروج آن نداریم مشمول حکم حرمت «حَرَّمَ الرَّبَا» خواهد بود. قدر متیقنی که مانع از اطلاق است، قدر متیقن در مقام تخاطب است نه قدر متیقن به لحاظ وجود خارجی یا انس ذهنی (عراقی، ۱۴۱۷ق، ۵۷۵/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵ش، ۵۴۷/۶) و چنین چیزی در مورد ربا وجود ندارد و اگر وجود قدر متیقن در خارج، مانع از اطلاق باشد، دیگر هیچ اطلاقی تحقق نخواهد یافت، زیرا هر اطلاقی دارای قدر متیقنی به لحاظ وجود خارجی است.<sup>۶</sup>

#### ۴. تعلیل به کار رفته در آیات تحریم ربا

دلیل دیگر طرفداران حلیت ربای تولیدی آن است که مطابق با آیه شریفه «وَإِنْ تَبْتِغُوا فَلَکُمْ رِءُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَأَ تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید» (بقره، ۲۷۹) رباگرفتن ظلم است و چون آیه در مقام تعلیل حرمت رباست پس تحریم ربا در این آیه، دایر مدار ظلم است که تنها در قرضهای مصرفی موجود است؛ اما قرضهای تولیدی، موجب رشد اقتصاد و تولید سرمایه می‌شود، گرفتن ربا از مدیون، ظلم نخواهد بود (صانعی، ۱۳۸۳ش، ۴۱).

رشید رضا می‌نویسد: ربا چون ظلم است، حرام شده و این مختص ربای مصرفی است، چرا که در قرضهای تولیدی هم قرض‌دهنده و هم قرض‌گیرنده به پرداخت زیاده رضایت دارند و ظلمی وجود ندارد (رشید رضا، ۱۴۲۳ق، ۱۱۶/۳).

موسوی بجنوردی، قید ظالمانه بودن را در تعریف ربای قرضی وارد کرده و علت تحریم ربا را ظلم بودن آن و از بین رفتن عدالت اجتماعی و... دانسته است و از آنجا که این علتها در ربای تولیدی موجود نیست، پس مشمول حکم حرمت ربا نخواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸ش، ۸).

نقد و بررسی: اصل اخذ زیاده در قرض ظلم است (مطهری، ۱۳۸۰ش، ۵۰) و میان مصارف قرض (مصرف یا تجارت) تفاوتی نیست. آیه شریفه «وَإِنْ تَبْتِغُوا فَلَکُمْ رِءُوسُ أَمْوَالِکُمْ

۶. حسینی، سیدعلی، نامه سرگشاده به صانعی، سایت سید علی حسینی اشکوری (www.ashkevari.ir)، ۱۳۹۷/۰۲/۰۳ش.

لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» نیز بیانگر آن است که اخذ زیاده در قرض ظلم است و شامل هر نوع قرضی می شود (اعم از قرض مصرفی و تولیدی) و آنچه به صورت علت حکم در آیات و روایات مطرح می شود، معمولاً حکمت حکم است نه علت آن (مکارم شیرازی ۱۳۸۰ ش، ۸۹). پس ظلم، یکی از حکمتهای تحریم ریاست و حکم دایر مدار علت است و با انتفای حکمت، ممکن است حکم باقی باشد (همان، ۳۱) و چنین نیست که هر جا ظلم باشد، حکم به حرمت شود و هر جا که از نظر ما ظلم نباشد، حکم به حلیت گردد (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ۵۴۵/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ق، ۳۵۵). از طرف دیگر، استخراج ظنی ملاک حکم برای تعمیم دادن آن به موارد مشابه نوعی تنقیح مناط است که در اصل اعتبار این قیاس میان فقهای خمس اختلاف نظر وجود دارد و از دیدگاه امامیه، هرگاه به صراحت و نص نباشد، قیاس مستنبط العله و فاقد اعتبار لازم است. اهل سنت، حجیت مناط قطعی را مبتنی بر ظهور و فهم اهل زبان می دانند و در موارد ظنی، بر ادله حجیت قیاس استناد می کنند. امامیه قسم ظنی آن را داخل در قیاس باطل می دانند و دلیل بر حجیت مناط قطعی در نظر آنان، منحصر در اجماع و عقل است.

از عبارات طرفداران حلیت ربای تولیدی چنین استنباط می شود که عقلا و عرف را مرجع تشخیص ظالمانه بودن می دانند. اگر عرف مرجع باشد، عرف در بعضی موارد، ربای مصرفی را ظلم نمی شمارد و شاید ربای تولیدی را ظلم بداند (موسویان، ۱۳۸۴ ش، ۵۸-۳۸). حتی اگر ظلم، علت تامه تحریم ربا باشد، این علت در قرض تولیدی و تجاری نیز وجود دارد. فقها در تعریف قرض گفته اند: «قرض تملیک عین به غیر با ضمان است» (خمینی، ۱۳۸۰ ش، ۶۵۱/۱). یعنی مال با قرض دادن از ملک قرض دهنده خارج شده و در ملک قرض گیرنده داخل می شود و او مالک بالفعل آن مال می شود. پس مالک سود و زیان آن مال نیز هست. بر این اساس، اگر قرض دهنده بخواهد سودی بگیرد (خواه مصرفی باشد و خواه تولیدی)، صحیح نیست، چرا که این سود متعلق به مال است و مال هم داخل در ملک قرض گیرنده است. مطهری می نویسد: اینکه کسی چیزی را قرض بدهد و بعد سود آنچه در ذمه طرف مقابل است را بخواهد، اساساً اشتباه و ظلم است (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ۴۷).

اخذ به قید ظلم در تحقق ربا و حکم به غیر ظالمانه بودن معاملات با رضایت طرفین، مغایر با مبانی اعتقادی شیعه و اهل سنت در تقبیح ظلم پذیری و مشارکت در آن و اصل ظلم ستیزی و عدالت خواهی اندیشه اسلامی است. روایات متعددی در این باره در مسند

ابن حنبل و صحیح بخاری نیز آمده است (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۹۶/۲). از سوی دیگر، تعلیل به‌کاررفته در استدلال قائلین به انصراف تحریم ربا به ربای مصرفی با صدق عنوان ظلم در ربا منجر به اشکال کلامی دیگری در جایگاه مفسده و مصلحت در احکام الهی است که حکم شارع دایر مدار رضایت مکلف است، نه مصالح و مفاصد واقعی متعلق به آنها با تفصیلی که در احکام واقعی و ظاهری در این باره وجود دارد (محمدی، بی‌تا، ۱۷/۲). بر اساس این استدلال، حکم الهی با رضایت مکلف به پذیرش ظلم از قبح به حسن مبدل می‌شود. هرچند مکتب اشاعره مبتنی بر همین مبناست، اما پذیرش این سخن با دلیل عقلی و نقلی مکتب عدلیه و اجماع ادعا شده دشوار است.

### ۵. تعلیل مذکور در روایات تحریم ربا

طرفداران حلیت ربای تولیدی معتقدند که از روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام چنین برداشت می‌شود که علت حرمت ربا، از بین رفتن امور نیکی هم‌چون قرض الحسنه است. چرا که قرض ربوی با قرض الحسنه منافات دارد و اگر قرض ربوی شایع گردد، قرض الحسنه از رونق می‌افتد (مطهری، ۱۳۶۴ش، ۴/۲۹۱).

معرفت می‌گوید: «یکی از ملاکهای حرمت ربا، استثمار بودن آن است، و در ربای متداول امروزه در بانک‌های دولتی، این عنوان منطبق نیست؛ بلکه ربای بانکی برای این است که پول‌های سرگردان را به‌کار اندازند و به‌واسطه آن، افراد به کار بیفتند و چرخ اقتصادی جهان بچرخد.»<sup>۷</sup>

هم‌چنین گفته‌اند: در روایات تحریم ربا، علل و اسبابی بازگو شده است که بر ربای انتاجی و تولیدی منطبق نیست و برخی از روایات، سبب تحریم را رکود اقتصادی و تعطیلی داد و ستد و معاملات شمرده‌اند. زراره از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَّاءَ لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ؛ خداوند بدین جهت ربا را حرام کرد که معروف (امر نیک) از بین نرود.» مبرهن است که ربای تولیدی، رکود اقتصادی نمی‌آورد، بلکه اقتصاد جامعه را رونق می‌بخشد و به جریان تولید در جامعه کمک می‌کند. ممکن است اشکال شود: تعلیل در روایات، به معنای حکمت است (نه علت) و اگرچه با وجود حکمت، حکم ثابت است اما عدم آن، به معنای عدم حکم نیست. در پاسخ می‌توان گفت: اولاً: حروف تعلیل نظیر «إِنَّمَا، ل، لَان، لئَلَّا»

۷. معرفت، محمدهادی، مصاحبه با روزنامه اطلاعات (صفحه معارف اسلامی)، ۱۳۷۵/۱۱/۲۷.



در علیت ظهور دارند نه حکمت و جای تردید نیست که این عناوین ذکر شده در روایت، به عنوان یک قرینه قوی، موجب انصراف ادله به نوع استهلاکی است که در این صورت، مدعای ما ثابت می‌شود (صانعی، ۱۳۸۳ ش، ۴۴).

نقد و بررسی: ظاهر آن است که عللی که در مورد تحریم ربا ذکر شده است، به ربای مصرفی اختصاص ندارد؛ بلکه شامل ربای تولیدی نیز می‌گردد. در ذیل برخی روایات هم چون صحیح هاشم بن حکم که نابودی و ترک تجارت و فعالیت‌های اقتصاد را به عنوان علت تحریم ربا ذکر می‌کند، آمده است: «فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ: داد و ستد در میان مردم، با قرض باقی می‌ماند» که در مقابل جمله «لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ» است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۸/۱۲۰). بدین معنا که، داد و ستد با ربا از بین می‌رود. اطلاق این تعلیل، شامل ربای تولیدی و تجاری نیز هست؛ زیرا شخصی که اموال خود را قرض ربوی می‌دهد، اگرچه تولیدی باشد، در حقیقت تجارت و داد و ستد را رها کرده و از طریق ربا کسب در آمد می‌کند.

در خصوص استناد قائلین به حلیت ربای تولیدی به روایاتی که علت تحریم ربا را از بین رفتن معروف و کارهای نیک معرفی می‌کند، می‌توان گفت که یکی از مصادیق معروف، قرض الحسنه است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۱۷/۳۸۰) که در روایات نیز به آن اشاره شده است: «الْقَرْضُ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۸/۱۲۱) و مصداق دیگر معروف، داد و ستد و تجارت و کسب رزق حلال است که طبق روایات، طلب افضل اعمال است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۷/۷۴؛ بروجردی، ۱۴۱۰ ق، ۲۱۰). بر این اساس، ربا از اعمال پسندیده مانع می‌شود و این تعلیل در همه انواع ربا (مصرفی یا تولیدی) وجود دارد و این ادعا که در ربای تولیدی، معروف و کار خیر وجود دارد، چون باعث رشد اقتصادی می‌گردد، مورد قبول نیست؛ زیرا وجود خیر، تنها ملاک نیست و هر چیزی ممکن است منافی داشته باشد. حتی خمر و قمار، همان طوری که قرآن بیان فرموده است (بقره، ۲۱۹).

از سوی دیگر، اطلاق روایاتی که علت تحریم ربا را فساد و نابودی و فنای اموال و اکل مال به باطل معرفی می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۸/۱۲۱)، مشتمل بر هر دو نوع ربا (مصرفی و تولیدی) است و اکل به باطل یعنی اخذ یک چیز به ناحق و بدون استحقاق و ماهیت قرض با دریافت زیاده منافات دارد و دریافت زیاده در قرض، باطل و ناحق است

(مطهری، ۱۳۸۰ش، ۴۷) و تخصیص ربای تولیدی از تعبیر «باطل» خود نیازمند دلیلی است که موجود نیست.

نتیجه اینکه عناوینی چون ظلم و ذهاب معروف و فساد اموال و ازبین رفتن تجارت که در لسان روایات به عنوان علت تحریم ربا ذکر شده است، علاوه بر اینکه حلیت ربای تولیدی را اثبات نمی‌کند، بلکه دلیل حرمت ربای مصرفی و تولیدی است (خرازی، بی تا، ۱۱/۵-۷). استناد به ظهور حرف تعلیل در علیت نیز مخدوش است، چرا که این حروف، ظهور در علیت انحصاری ندارد. ادله تحریم ربا منصرف به همین یک روایت نیست که ذهاب معروف علت انحصاری تحریم ربا باشد. بلکه در بسیاری از روایات، اعم از صحیح و موثق و غیره، علت حرام بودن ربا چنین معرفی شده است که ربا موجب روی گرداندن عموم مردم از داد و ستد سالم (تجارت) و کشاورزی می‌شود و از دادن قرض الحسنه به یکدیگر که ثواب آن بیشتر از صدقه است، باز می‌دارد و به طور کلی، ربا مستلزم ظلم و فساد است. اما اینکه گفته شده عناوین ذکر شده در روایات به عنوان یک قرینه قوی موجب انصراف ادله به نوع استهلاکی خواهد شد، این ادعا صحیح نیست؛ زیرا انصرافی مانع انعقاد اطلاق است که انصراف ظهوری باشد، نه انصراف بدوی مستند به کثرت وجود خارجی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۲۰۵/۲؛ خویی، ۱۳۵۲ش، ۵۳۲/۱؛ مظفر، ۱۳۷۵ش، ۱۸۹/۱) که در مانحن فیه، الفاظ ربا در مطلق ربا ظهور دارند و از تعمیم و اطلاق عناوین به‌کاربرده شده در روایات، حرمت ربا در ربای مصرفی و در ربای تولیدی به اثبات می‌رسد.

از طرفی، روایات بیانگر علت تحریم، از ناحیه قرض‌دهنده است نه قرض‌گیرنده. به این معنا که اگر ربا حلال باشد، قرض‌دهنده ترک تجارت می‌نماید و دیگر به دنبال داد و ستد نمی‌رود و این معنا در هر دو صورت برای قرض‌دهنده متصور است، چه قرض استهلاکی باشد چه قرض تولیدی (محمودی، ۱۳۹۳ش، ۱۳۶-۱۱۷) و چه بسا ربای تولیدی که قرض در آن، سبب رکود اقتصادی می‌شود<sup>۸</sup> و ای بسا ربای مصرفی که موجب تولید و تجارت و اقتصاد گردد. پس تقسیم قرض به مصرفی و تولیدی، ضابطه مشخصی ندارد.

۸. هاشمیان، سید حسین و همتیان، علی اصغر، «نقد و بررسی نظرات صانعی پیرامون ربا»، به نقل از: روزنامه رسالت، ۱۳۸۷/۴/۱۵.

## ۶. عدم شمول «اکل مال به باطل» بر ربای تولیدی

ظاهر آیه «وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَاَ وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً؛ و (به سبب) ربا گرفتنشان با آنکه از آن نهی شده بودند و به ناروا مال مردم خوردنشان و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم» (نساء، ۱۶۱) دلالت دارد که ربا و اکل مال به باطل یک چیز هستند و اقتران آنها از باب ذکر عام بعد از خاص است و در روایات نیز، به «اکل مال بالباطل» بودن ربا اشاره شده است.<sup>۹</sup>

طرفداران حلیت ربای تولیدی معتقدند: عنوان اکل مال به باطل در مورد ربای تولیدی صادق نیست و حکم حرمت شامل آن نیست؛ بدین بیان که: «ربا چون امری باطل است، تحریم گردیده و فقط ربای مصرفی چنین است؛ اما ربای تولیدی، امر باطلی نیست. بلکه عین عدالت و حق است» (رشید رضا، ۱۴۲۳ق، ۱۱۶/۳). صانعی می‌گوید: «گرفتن زیادی در قرضهای مصرفی که در افزایش ثروت فرد و جامعه هیچ نقشی ندارند، اکل مال به باطل است اما قرضهای تولیدی و سرمایه‌ای، در اقتصاد نقش سازنده دارند و باعث افزایش سود برای تولیدکننده و ثروت جامعه می‌شوند و در چرخه اقتصادی باعث رشد و توسعه می‌گردند؛ پس اشتراط بخشی از سود حاصل از به‌کارگیری قرض، برای قرض‌دهنده به ناحق و باطل نیست» (صانعی، ۱۳۸۳ش، ۴۲).

نقد و بررسی: اکل مال به باطل به معنای گرفتن چیزی بدون استحقاق آن (بدون عوض) یا به‌دست آوردن مال به ناحق و از راه غیرحلال است و بنابر این معنا، کم‌فروشی، قمار، ظلم و ربا، همه از مصادیق باطل شمرده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۶۸/۳) و ربا، قطعاً اکل مال به باطل است؛ زیرا ربا، اخذ زیادی بدون عوض و استحقاق است و از این جهت بین ربای مصرفی و یا تولیدی تفاوتی نیست.

اگر در آیه مورد استناد یعنی آیه ۱۶۱ سوره نساء احتمال داده شود که ربا مصداق اکل مال به باطل و از باب ذکر عام بعد از خاص نیست، در پاسخ به این احتمال می‌توان گفت: در این صورت، هر کدام مستقلاً حرمت خواهند داشت و ربای تولیدی از مصادیق اکل مال

۹. نامه امام رضا علیه السلام به محمد بن سنان: «عَلَيْهِ تَحْرِيمُ الرِّبَا، لِمَا نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ وَ لِمَا فِيهِ مِنْ فُسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالدَّرْهَمَيْنِ كَانَ ثَمَنَ الدَّرْهَمِ دَرَاهِمًا وَ ثَمَنَ الْآخِرِ بَاطِلًا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲۱/۱۸).

به باطل نبوده و بلکه از مصادیق ربا بوده و مشمول ادله حرمت ربا می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۸۸/۳).

شرط زیاده در قرضهای تولیدی و سرمایه‌ای و افزایش ثروت و رشد اقتصادی که طرفداران ربای تولیدی بر اساس آن حکم به حلیت داده‌اند، نوعی مصلحت‌گرایی است که در فقه شیعه مطرود است و اهل سنت که مصلحت را بر محافظت از مقاصد شرعی می‌دانند (غزالی، ۱۴۱۳ق، ۴۸۲-۴۸۱) در حدود و مقدار آن اختلاف دارند. اما قدر متیقن آن است که اهل سنت معتقدند هر عملی که وسیله حرام قرار گیرد، باید از آن جلوگیری شود (سد ذرایع) و هر عملی که سبب رسیدن به واجب باشد، باید موانع آن برطرف گردد (فتح ذرایع) (مدکور، ۱۹۹۶م، ۳۴۵-۲۴۴). مطابق با این بیان، رشد اقتصادی ناشی از اعمال ربوی، فاقد مصلحتی است که بتواند در مقابل مطلقات ادله تحریم قرار گیرد و بر فرض پذیرش مصلحت، چنانچه به دلیل عقلی حفظ مقاصد شریعت بازگردد، نمی‌توان آن را دلیل مستقلی در برابر کتاب و سنت قرار داد (جناتی، ۱۳۷۵ش، ۳۳۶).

با وجود اینکه در ظاهر غالب قرضهای تولیدی سودآور است ولی برخی از این قرضها با خسارت و ضرر مواجه می‌شود. قرضهای مصرفی نیز گاهی موجب بهبود وضعیت کار و افزایش بهره‌وری نیروی کار و افزایش ثروت در جامعه می‌شود. پس تقسیم قرض به مصرفی و تولیدی و این ادعا که گرفتن زیاده در این قرضها اکل مال به باطل نیست، ولی در قرضهای مصرفی اکل مال به باطل است، تقسیم و ادعای صحیحی نیست (احمدوند، ۱۳۸۳ش، ۲۵۰). استدلال قائلین مبنی بر سود آور بودن معاملات ربوی در ربای تولیدی از جهت اخلاقی نیز مخدوش است، زیرا برخلاف مکاتب مادی که بیگانه از اخلاق هستند، اقتصاد اسلامی با اخلاق رابطه مستقیم دارد و معیار اصلی در تدوین احکام وضعی است. وجه تمایز دیگر آن توجه به نفع و ضرر مردم است نه سود و زیان فردی. استناد به روایت تحف العقول که انصاری در ابتدای کتاب مکاسب خود آن را متذکر شده است، در تأیید همین ادعاست. حرمت غش و تدلیس و احکام معاملات غری و در مواردی حق فسخ و جبران خسارت و ضمان عین و منفعت و بنا بر نظر برخی ضمانت حتی در منفعت غیرمستوفات، جز حکومت اخلاق در اقتصاد اسلامی دلیل دیگری ندارد.

افزون بر آن، روایات متعددی در منابع اهل سنت و شیعه وجود دارد که هر نوع سودآوری در قرض را حرام می‌داند. از جمله این روایات که به روایات جر منفعت تعبیر شده، روایت

فضالة بن عبید صحابی پیامبر اکرم ﷺ است که حضرت فرمود: «کلّ قرض جرّ منفعة فهو وجه من وجوه الربا» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۳۵۰). بر این اساس هر وامی جذب منفعت کند، نوعی ریاست. این روایت عام است و با عموم خود، تمام وامهای سودآور و دارای منافع شخصی و تجاری و غیره را شامل می‌شود. با همین مضمون روایاتی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ابواب الدین و القرض، باب ۱۹، حدیث ۹). اکل مال به باطل بودن ربا نیز از آن جهت است که قرض دهنده کاری انجام نداده و با هیچ زحمتی، هم اصل سرمایه را مطالبه می‌کند و هم زیاده را، در حالی که استحقاق زیاده را ندارد و از این جهت اخذ زیاده، مصداق اکل مال به باطل است که هم در قرض مصرفی و هم در قرض تولیدی قابل رؤیت است (محمودی، ۱۳۹۳ش، ۱۳۶-۱۱۷).

#### ۷. اقتران آیات تحریم ربا با آیات انفاق

طرفدارن نظریه حلیت ربای تولیدی، اقتران آیات انفاق با آیات تحریم ربا را قرینه‌ای بر شناسایی ربای محرم می‌دانند و معتقدند: ربای حرام، ربایی است که در جای انفاق قرار می‌گیرد. یعنی در آنجا که محل انفاق است، اگر زیادتی طلب شود، ربای حرام است که یقیناً ربای مصرفی خواهد بود. برخلاف ربای تولیدی که محل آن تولید و تجارت است نه انفاق و احسان صدقه (صانعی، ۱۳۸۳ش، ۴۵؛ مصری، ۱۴۰۷ق، ۱۵۲).

یکی از طرفداران حلیت ربای تولیدی می‌نویسد: «از اینکه خداوند متعال در آیات ربا به امهال و صدقه و زکات سفارش می‌کند، در می‌یابیم که ربای محرم، ربای در قرضهای مصرفی است و شامل قرضهای تجاری نمی‌گردد؛ زیرا سفارش به انفاق و امهال و صدقه با شرایط قرض‌گیرندگان در قرضهای مصرفی تناسب دارد نه افراد تاجر و سرمایه‌دار در قرضهای تولیدی» (رشید رضا، ۱۴۲۳ق، ۱۱۶/۳). بر این اساس، آیات مذکور شامل افراد نیازمندی است که به خاطر نیاز، مجبور به قرض‌گرفتن و پرداخت زیاده شده‌اند و شامل قرض‌گیرندگان برای تجارت و تولید نمی‌شود؛ زیرا این افراد نیازی به انفاق و بخشش و صدقه ندارند (مطهری، ۱۳۶۴ش، ۲۹۱/۴).

نقد و بررسی: تمسک به دلیل فوق برای اثبات مدعای طرفداران حلیت ربای تولیدی خالی از اشکال نیست؛ زیرا ذکر انفاق و صدقه به همراه آیات ربا از باب صنعت تضاد است و قرآن وقتی عمل زشتی مثل ربا را انکار می‌کند در صدد ارائه جایگزین آن برآمده و صدقه

و انفاق را به عنوان بهترین جایگزین معرفی کرده است: «وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و (اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد، بخشیدن آن برای شما بهتر است اگر بدانید» (بقره، ۲۸۰) و ربطی به ربای مصرفی ندارد (جوادی آملی، بی تا، ۱۲/۵۲۵-۵۲۳).

مطهری می نویسد: «قرآن در هیچ جا آیه‌ای در منع از ربا ذکر نکرده مگر این که ترغیب کرده به تعاون صادقانه و مساعدت نسبت به محتاجان. گاهی به نام زکات و گاهی تحت عنوان صدقات و گاهی به نام انفاق مطلق در سراء و ضراء» (مطهری، ۱۳۶۴ ش، ۴/۲۸۸-۲۸۷) و این آیات، در اختصاص حرمت ربا به ربای مصرفی ظهور ندارند.

بنابراین، به صرف اقتران آیات ربا با توصیه به امهال و بخشش نمی توان ادعا کرد که ربای محرم، ربای مصرفی است و دلیلی بر تأیید این ادعا از آیات و روایات نیز نداریم. حال آنکه در طرف مقابل، دلایلی هستند که ظهور (و شاید تصریح) در تحریم ربای قرضهای تولیدی و تجاری دارند، همان طوری که در مطالب بالا بیان گردید؛ چرا که آیات ربا مطلق هستند و هر نوع ربا اعم از مصرفی و تولیدی را شامل می شوند.

#### ۸. توجه به رویه قرآن در اقناع

مؤلف کتاب فقه و زندگی آورده است: جمله «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» در مقام پاسخ به ایراد رباخواران است و خداوند، جوابی تعبدی به آنان می دهد و در صدد آن نیست که تفاوت میان آنها را روشن سازد، ولی رویه قرآن در بیان احکام، چنین نیست. بلکه قرآن، همیشه به هنگام بیان احکام خود، تلاش می کند مخاطب را قانع سازد. پس می توان استنتاج کرد که خداوند در بیان تفاوت بیع و ربا، مردم را به ارتکاز خودشان فرا می خواند. به این معنا که خود مردم درک می کنند که اگر کالایی را با اندکی زیاده به صورت نسبیه بفروشند یا اینکه پولی را به شخصی قرض دهند و از ابتدا، شرط زیاده کنند و یا قرض گیرنده در هنگام بازپرداخت، ناتوان شود و با گرفتن مبلغی به وی مهلت دهند و همین طور این کار را ادامه دهند، این دو فعل با هم تفاوت دارند و صورت دوم، قبیح و منکر است، در حالی که صورت اول چنین نیست. اولی بیع و داد و ستدی است که ضرورت زندگی است، اما دومی رباست که از گرفتاری و فقر و ناتوانی ضعیفان، سوءاستفاده شده و در مقابل پرداخت وام، شرط زیاده قرار می دهند. با این توضیح، این آیه بر حرمت ربای مصرفی دلالت دارد و ربای انتاجی و تولیدی را به هیچ وجه شامل نمی شود (صانعی، ۱۳۸۳ ش، ۴۸).

نقد و بررسی: شکی نیست که حلیت بیع و حرمت ربا مانند دیگر احکام الهی دارای مصالح و مفاسدی است (جوادی آملی، بی تا، ۵۲۹/۱۲)، اما آیا مصلحت تمام احکام یا اکثر آن برای اقناع مکلفان بیان شده است؟ بر فرض که مصالح و مفاسد بسیاری از احکام بیان شده باشد، باز در مورد ربا می توان گفت که مصلحت و مفاسده اش بیان نشده است و حرمت ربا تبعدی است و آیه شریفه «وَاحِلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» اشاره به علت ندارد و بیان تفاوت بیع و ربا، بیان حکمت است و نمی توان با تمسک به آن از اطلاقات تحریم ربا مانند «حَرَّمَ الرِّبَا» صرف نظر کرد؟

اما اینکه گفته شد: در بیان تفاوت بیع و ربا در این آیه شریفه «احلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» خداوند متعال مردم را به ارتکاز خودشان واگذار کرده است، اگر ارتکاز در مسائل مستحدثه مراد باشد، به دلیل عدم اتصال به عصر معصوم علیه السلام چنین ارتکازی حجت نیست (خمينی، ۱۴۲۶ق، ۶۴) و اگر هر کدام از ارتکازهای عرفی، یا ارتکاز عقلایی و یا ارتکاز متشرعه مراد باشد، باز صحیح نیست؛ چرا که اولاً: نه تنها چنین ارتکازی وجود نداشته، بلکه در عرف آن دوران، هر دو قسم ربای قرضی (مصرفی و تولیدی) رواج داشته است و ثانیاً حجیت ارتکاز عقلایی و متشرعه، متوقف بر امضای شارع و یا عدم ردع اوست (حکیم، ۱۴۱۸ق، ۱۹۴)، در حالی که اینجا ردعی وجود دارد و جمله «أَنَّما الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» بعد از تشریح حکم حرمت ربا بوده است و آیه ای که حرمت ربا را تشریح کرده، آیه ۱۳۰ سوره آل عمران می باشد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴ش، ۶۲۶/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۳۶۵/۲). چنانچه دلالت آیه «احلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» بر حرمت ربای قرضی را بپذیریم، باید شامل هر دو قسم مصرفی و تولیدی باشد و همان طور که از مطهری نقل کردیم، تقابل حلیت بیع و حرمت ربا، خود قرینه ای بر این تعمیم است. زیرا حرمت ربا در قرض مصرفی که به خاطر ترحم بر ضعف است، تناسبی با حلیت بیع ندارد؛ بر خلاف حرمت ربا در قرض تولیدی که شبیه بیع و تجارت است<sup>۱۰</sup> (مطهری، ۱۳۶۴ش، ۲۹۲/۴).

قیاس ربای تولیدی با بیع هم صحیح نیست؛ چرا که با وجود عقود مشروعی مانند وکالت، جعاله، مضاربه، شرکت و امثال آن، ربای تولیدی نه تنها ضرورت زندگی نیست، بلکه می توان ادعا کرد که هیچ نیازی به آن نیست (گلیپایگانی، ۱۴۰۹ق، ۸۸/۲).

۱۰. هم چنین: اشکوری سید علی حسینی، نامه سرگشاده به صانعی در رابطه با ربای تولیدی، به نقل از پایگاه اینترنتی سید علی حسینی اشکوری ([www.ashkevari.ir](http://www.ashkevari.ir))، ۱۳۹۷/۰۲/۰۳ش.

## ۹. تغییر اوضاع اقتصادی جهان

برخی از طرفداران حلیت ربای تولیدی از اهل سنت معتقدند که احکام اقتصادی جوامع امروزی متناسب با تغییر و تحولات این جوامع تغییر پیدا می‌کند. امروزه روابط پیچیده‌ای در جهان و در مبادلات مالی جهان به وجود آمده که اقتضای تغییر و تحول در برخی احکام اقتصادی اسلام را دارد تا بین احکام اسلام و اقتصاد جهان، تناسب برقرار شود. از دوالیبی از طرفداران حلیت ربای تولیدی نقل شده است: «امروزه اوضاع اقتصادی جهان تغییر کرده و مؤسسات تولیدی و تجاری در سراسر کشورها به وجود آمده‌اند و اکثر قرضها از مصرفی به سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند؛ پس لازم است متناسب با این تحول، احکام مربوطه نیز تغییر یابد. مصداق روشن این امر، قرضهای شرکتهای بزرگ و دولتهاست که از صاحبان پس‌اندازهای خرد، استقراض می‌کنند (نوری کرمانی، ۱۳۸۱ش، ۳۰۰). ایشان دلیل اباحه ربا در قرضهای تجاری را تغییر و تحول در اوضاع اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌داند و ازدیاد شرکتهای تولیدی و تجاری و تبدیل قرضهای مصرفی به قرضهای سرمایه‌ای را علت جواز ربا ذکر می‌کند.

نقد و بررسی: در اینکه احکام دایر مدار موضوعات هستند، شکی نیست و اگر موضوعی در یک زمان تغییر پیدا کند، حکم شرعی آن نیز تغییر پیدا می‌کند؛ مثل بعضی آلات قمار یا بعضی آلات لهو و لعب یا بعضی لباسهای شهرت. اما اینکه موضوع پابرجا باشد و حکم آن به مرور زمان تغییر یابد، در غیر از موارد نسخ حکم، صحیح نیست. موضوع ربا در عصر حاضر با موضوع ربا در عصر صدور حکم حرمت ربا، تغییری نکرده است؛ زیرا موضوع حکم حرمت ربا، زیادت مشروط در قرض و بیع مماثل در مکیل و موزون است و چنین معنایی با تغییر زمانها و جوامع و اوضاع اقتصادی تغییر نمی‌یابد. پس حکم حرمت آن نیز پابرجاست. از طرف دیگر، حکم حرمت بر ماهیت ربا من حیث هی تعلق دارد نه به اعتبار وجود عینی آن، محمولاتی که مقوم موضوع‌اند و در صورت زوال آنها خللی در ذات و ماهیت آن پدید می‌آید، یعنی موضوع در تحقق ماهیت و ذات خود به آنها نیازمند است، آثار ذاتی‌اند برخلاف آثار وجودی که شیء در تحقق عینی خود متصف به آنها می‌شود. امر ذاتی همواره و در هر شرایط انفکاک‌ناپذیر از شیء است (ابن‌سینا، ۱۳۳۹ش، ۹). آیات و روایات وارد شده در تحریم ربا، ظلم و کفر و اعلان جنگ با خدا و رسول را از آثار و



لوازم ربا عنوان می‌کند که خود سبب مبعوضیت ربا در نزد شارع است، حال با حفظ ماهیت نمی‌توان قبح و حرمت آن را نادیده گرفت؛ زیرا این لوازم، لوازم ماهیت‌اند نه لوازم صورت. حکم حرمت ربا از احکامی است که به صورت بسیار شدید و غلیظ بیان شده است و از طرفی، احکام اسلام ثابت هستند و با اطلاقات و عمومات آیات و روایات و ادله خاصی به اثبات رسیده‌اند که با هر شرایطی، قابل تغییر نیستند و اوضاع جدید اقتصادی موجب تغییر حکم عمومی حرمت ربا در مصادیقی چون قرضهای تولیدی و تجاری نمی‌شود. زراره از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «حلال محمد، همیشه حلال است تا روز قیامت و حرام او، حرام است تا روز قیامت که غیر آن نیست و شرعیتی غیر آن نمی‌آورد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱/۲۰۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۵۸).

اوضاع و احوال اقتصادی جهان، نیاز به سرمایه‌های متراکم را زیاد کرده، ولی این امر موجب نمی‌شود که متوسل به استحلال بعضی از مصادیق ربای حرام شویم؛ بلکه در احکام اسلام راهکارهایی پیشنهاد شده که از جمله آنها می‌توان به قرض الحسنه، مضاربه، جعاله و امثال آنها اشاره نمود.

### نتیجه

عموم و اطلاق آیات و روایات دال بر حرمت ربا، شامل ربای معاوضی و ربای قرضی است و میان ربای انتاجی و ربای استهلاکی تفاوتی نیست و ادعای تخصیص حکم و اختصاص ادله حرمت ربای قرضی به ربای مصرفی و عدم اشتغال آن بر ربای تولیدی بدون وجه است؛ زیرا طبق شواهد تاریخی و قرآنی، ربای تولیدی در دوران جاهلیت و عصر نزول، وجود داشته و پدیده‌ای نوظهور نیست. در ادله تحریم ربای قرضی نیز اجمال و انصراف ظهوری رؤیت نمی‌شود و قدر متیقن در مقام تخاطب موجود نیست. پذیرش عرف به عنوان مرجع تعیین ملاک در حرمت ربا نیز مردود است و تغییرات اوضاع اقتصادی جهان، تغییر یا زوال موضوع را در پی ندارد تا اینکه مستلزم تغییر حکم باشد. بر این اساس، با توجه به وجود مقتضی و حرمت ربا به صورت مطلق و فقدان دلیل بر ادعای حلیت ربای تولیدی، نظریه مذکور نمی‌تواند به عنوان یک نظریه اصلاحی برای برون‌رفت از ربا قلمداد شود و در نتیجه، بازگشت به عقود اسلامی ضروری است.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آمدی، علی بن ابی‌علی، *الإحکام فی اصول الأحکام*، بیروت، جمیلی، ۱۴۰۴ق.
- ابن‌حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۹ق.
- ابن‌رشد، محمد بن احمد، *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- ابن‌سینا، ابوعلی، *الاشارات و التنبيهات*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.
- ابن‌قدمه، عبدالله بن احمد، *المغنی*، قاهره، هجر، ۱۴۰۶ق.
- احمدوند، معروف علی، «حکمت تحریم ربا در اندیشه فقهی استاد مطهری»، *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۳ش.
- بدرالعینی، محمود بن احمد، *البنایه شرح الهدایه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- بدوی، ابراهیم، *نظریه الربا المحرم فی الشریعه الاسلامیه*، قاهره، المجلس الاعلی، ۱۳۸۳ق.
- بروجردی، سید حسین، *جامع احادیث الشیعه*، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۱۰ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- توفیق رضا، حسین، *ربوات القرض و ربوات البیوع*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۹ق.
- جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ مازح، یاسر، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل-البيت*، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۹ق.
- جناتی، محمدابراهیم، *منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۵ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، قم، مرکز نشر اسراء، بی‌تا.
- جواهری، محمدتقی، *غایه المأمول من علم الاصول*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۰۹ق.
- خرازی، محسن، *البحوث الهامه فی المكاسب المحرمه*، قم، در راه حق، بی‌تا.
- خطیب شریینی، محمد بن احمد، *مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- خمینی، سید روح‌الله، *الاجتهاد و التقليد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۶ق.
- همو، *تحریر الوسیله*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- همو، *تنقیح الاصول*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.
- همو، *کتاب البیوع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.

- خوانساری، سید احمد، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، *أجود التقريرات*، قم، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ش.
- رشید رضا، محمد، *تفسیر المنار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- زرقاء، مصطفی احمد، *المشکلات العصریه فی میزان الشریعه الاسلامیه*، بیروت، مجله البعث، ۱۳۸۸ق.
- سمرقندی، محمد بن احمد، *تحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- شعبان، زکی الدین، *اصول الفقه الاسلامی*، بنغازی، جامعه فار یونس، ۱۹۹۵م.
- شلتوت، محمود، *الفتاوی*، بیروت، دارالشروق، ۱۳۹۵ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- شوکانی، محمد بن علی، *نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، بی تا.
- صانعی، یوسف، *فقه و زندگی ۱ (ربای تولیدی)*، قم، میثم تمار، ۱۳۸۳ش.
- صدر، سید محمدباقر، *بحوث فی علم الاصول*، قم، دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، قاهره، دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- همو، المسبوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ق.
- عراقی، آقا ضیاء الدین، *تحریر الاصول*، قم، نشر مهر، ۱۳۶۳ش.
- همو، *نهایه الافکار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- عزیزی، محمد رامز عبدالفتاح، *تحریم الربا فی الاسلام*، عمان، دارالفرقان، ۱۴۲۴ق.
- علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دارالعلم، ۱۹۷۱م.
- غزالی، محمد بن محمد، *المستصفی من علم الاصول*، مدینه، شرکه المدینه المنوره، ۱۴۱۳ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، *ایضاح الکفایه*، قم، نشر نوح، ۱۳۸۵ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الوافی*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی، ۱۴۰۶ق.

- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ش.
- کبایه‌راسی، علی بن محمد، احکام القرآن. بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- گلبایگانی، سید محمدرضا، مجمع المسائل، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- همو، بحار الأنوار، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، الرسائل التسع، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ق.
- محمدی کرچی، رضا، «نقد ربای تولیدی»، مجله فقه اهل‌بیت، شماره ۵۸، ۱۳۸۸ش.
- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
- محمودی، احمد، «حلیت ربای تولیدی و انتاجی در بوته نقد»، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
- مدکور، محمد سلام، المدخل للفقہ الاسلامی، قاهره، دارالکتب الحدیث، ۱۹۹۶م.
- مروج، محمدجعفر، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، بی‌جا، دارالکتاب الجزائری، ۱۴۱۵ق.
- مصری، رفیق یونس، ربا القروض و ادله تحریمه، دمشق، بی‌تا، ۱۴۲۱ق.
- همو، مصرف التمیمه الاسلامی او محاوله جدیده فی الربا و الفائده و البنک، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۷ق.
- مطهری، مرتضی، سلسله یادداشت‌های استاد، تهران، صدرا، ۱۳۶۴ش.
- همو، مسئله ربا و بانک و بیمه، تهران، صدرا، ۱۳۸۰ش.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۲۲ق.
- همو، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.
- همو، ربا و بانکداری اسلامی، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۰ش.
- همو، انوار الأصول، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۲۸ق.
- مودودی، ابوالاعلی، الربا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ق.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، «مبحث ربا»، مجله متین، شماره ۸، ۱۳۷۸ش.
- موسوی همدانی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- موسویان، عباس، «ربا در قرضهای تولیدی و تجاری»، اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸، ۱۳۸۴ش.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ش.

- نوری کرمانی، محمدمیر، موضوع‌شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
- هاشمی شاهرودی، سید علی، دراسات فی علم الاصول، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۱۹ ق.

